

گزارش «وقایع اسرائیلیه» از سازمانی که منافع صهیونیست ها را

به صورت سیستماتیک در ایالات متحده آمریکا پیگیری می کند

پروپاگاندا برای صهیون



زهره صمصامی

بیش از یک قرن است «ADL» خود را نهادی برای مقابله با یهودستیزی معرفی می کند و در سال های اخیر اسم و رسم آن به شکل گسترده با حلقه های سیاسی، امنیتی و حقوقی گره خورده است. نقش آن در تعریف و بازتعریف مفهوم «یهودستیزی» تا همکاری با نهادهای انتظامی، فشار بر دانشگاه ها و مشارکت در شبکه های فراملی هماهنگی سیاسی مانند «JL» است.

چیستی و جایگاه ADL

اتحادیه ضدافترا (Anti-Defamation League) یک سازمان مستقر در ایالات متحده است که به عنوان نهادی معاف از مالیات ذیل بند ۳ قانون (۵۰۱ c) ثبت شده است. این سازمان یهودی که در سال ۱۹۱۳ با مأموریت مبارزه با یهودستیزی و تبعیض تأسیس شد و در آغاز زیرمجموعه «مخفل مستقل بنی برایت» و هدف آن حمایت اجتماعی و فرهنگی از جوامع یهودی بود؛ در سال ۲۰۰۹ از بنی برایت مستقل شد و از آن زمان، به عنوان نهادی مستقل با ساختاری گسترده تر به فعالیت ادامه داده است. دفتر مرکزی این سازمان در نیویورک قرار دارد و دارای ۲۵ دفتر منطقه ای در ایالات متحده، یک دفتر در اسرائیل و کارکنانی در اروپا، است. سازمان مذکور که خود را نهادی غیرحزبی معرفی می کند، در عمل، یکی از تأثیرگذارترین بازیگران در تعامل با دولت ها، رسانه ها، مدارس، شرکت های فناوری و نهادهای انتظامی به حساب می آید. در سال ۲۰۲۳، این سازمان مجموع درآمد خود را «۳۸٫۳ میلیون دلار» اعلام کرد؛ رقمی که عمدتاً از محل کمک ها و اعانه ها تأمین شده، درحالی که هزینه های عملیاتی آن به «۵۷٫۸ میلیون دلار» رسید که این اختلاف، توجه منتقدان را به شبکه حامیان مالی بزرگ و نفوذ سیاسی این نهاد جلب کرد.

سیاست ورزی سازمان یافته

این سازمان در دهه های ابتدایی فعالیتش، نقشی پررنگ در مقابله با یهودستیزی آشکار ایفا کرد. یکی از نخستین کارزارهای مهم آن، فشار بر هنری فورد، خودروساز مشهور آمریکایی بود که نشریات یهودستیزانه منتشر می کرد. این سازمان در دهه «۱۹۳۰»، با کمیتۀ یهودیان آمریکا (AJC)، برای مقابله با فعالیت های حامی نازی ها در ایالات متحده همکاری داشت و در دوران جنگ سرد، در برابر موج مک کارتیسم موضع گرفت. در دهه «۱۹۶۰»، این سازمان از تصویب قوانین حقوق مدنی حمایت کرد و با انجمن ملی پیشرفت رنگین پوستان (NAACP)، برای مقابله با گروه های راست افراطی همکاری داشت. اما از دهه «۱۹۷۰» به بعد، بسیاری از ناظران معتقدند که مسیر آن به تدریج تغییر کرد. در این دوره، حمایت از اسرائیل به یکی از محورهای اصلی فعالیت های این سازمان بدل شد و سیاست خاورمیانه به طور گسترده در دستور کار آن قرار گرفت.

یهودستیزی نوین

یکی از مهم ترین مفاهیمی که سازمان ضدافترا از دهه «۱۹۷۰» به بعد ترویج کرد، مفهوم «یهودستیزی نوین» بود. براساس این مفهوم، برخی اشکال انتقاد از اسرائیل و حتی ضدصهیونیسم، یعنی مخالفت با «ایدئولوژی دینی-ملی گرایانه ای» که اسرائیل بر آن بنا شده، می تواند به عنوان یهودستیزی تلقی شود. منتقدان این رویکرد، از جمله نومن فینکلشتاین، استدلال کرده اند که چنین تعریفی بیش از آنکه به مقابله با نفرت واقعی کمک کند، به ابزاری برای مصون سازی اسرائیل از انتقاد بدل شده است. فینکلشتاین در سال ۲۰۰۵ نوشت سازمان هایی مانند «ADL» از «رنج تاریخی یهودیان» برای خاموش کردن نقد سیاسی استفاده می کنند. واشنگتن پست نیز در سال ۲۰۰۶ گزارش داد که این سازمان بارها فینکلشتاین را به «انکار هولوکاست» متهم کرده است.

صراحت بی سابقه گرینبلت

گرینبلت در سخنرانی سال ۲۰۲۲ خود برای رهبران سازمان، به صراحت اعلام کرد: «ضدصهیونیسم، یهودستیزی است.» تا به امروز اسرائیل هم این سخنرانی را (الحظه ای کم سابقه) توصیف کرد که در آن، سازمان موضعی صریح و بی پرده اتخاذ کرد. رویکردی که در دوران مدیریت جان اتان گرینبلت، ششمین مدیر ملی و مدیرعامل سازمان، نمود بیشتری پیدا کرد. این اظهارات نه تنها فعالان حامی فلسطین، بلکه بخشی از جامعه یهودی و حتی کارکنان سازمان را هم خشمگین کرد. بسیاری از منتقدان گفتند این موضع گیری مرز میان حفاظت از یک اقلیت مذهبی و سرکوب نقد سیاسی را عملاً از میان برمی دارد.

اسرائیل، آپارتاید و سیاست دوگانه

موضع سازمان در قبال اسرائیل همواره محل مناقشه بوده است. اسناد افشا شده ای که «Jewish Currents» در سال ۲۰۲۰ منتشر کرد، نشان می داد این سازمان در واکنش به برنامه های اسرائیل برای الحاق بخش هایی از کرانه باختری، تلاش کرده است ضمن پرهیز از دشمنی آشکار با منتقدان، مانع تصویب قوانین یا قطعنامه های شدید علیه اسرائیل شود. این اسناد همچنین نشان می داد اتحادیه به دنبال یافتن راهی «معتبر» برای دفاع از اسرائیل در برابر اتهام آپارتاید بوده است. در عین حال، این سازمان گاه برای حفظ اعتبار لیبرال خود، از برخی دولت های اسرائیل، از جمله دولت ششم نتانیاهو، انتقاد کرده است که به عقیده منتقدان این انتقادها بیشتر جنبه تاکتیکی دارد و هرگز به نقد ساختاری سیاست های اسرائیل منجر نشده است. سازمان به طور روشن طی بیانیه ای خود را حامی «یک دولت یهودی و دموکراتیک» و راه حل دودلوی معرفی می کند و تلاش می کند روابط ایالات متحده و اسرائیل را قوی و سازنده نگه دارد و مدعی است با ترویج برنامه ها و سیاست هایی، درک متقابل میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها را ارتقا می دهد. همچنین از عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی که آن را عامل امنیت و ثبات منطقه ای می داند، استقبال می کند. اسرائیل را معاف از نقد نمی داند، اما تلاش برای بی اعتبار کردن وجود اسرائیل «اگرکوب می کند. دفتر سازمان در اورشلیم با ادعای تمرکز بر تقویت دموکراسی و همبستگی اجتماعی، از اقلیت ها (یهودی، مسلمان، مسیحی، اقلیت های ایتالیایی، خریلی، بدو، دروزی، LGBTQ+ و پناهجویان آفریقایی) حمایت می کند.

دو منطق مکمل و ورود لابی یهودی به مرحله فراملی

در این نقطه، مقایسه سازمان ضدافترا با آپیک جالب توجه است. همان طور که می دانیم، آپیک لابی کلاسیک، آشکار و متمرکز حامی اسرائیل در ایالات متحده است که تمرکز آن بر سیاست خارجی، کنگره و انتخابات است. این لابی به طور مستقیم بر نمایندگان فشار می آورد و از تأمین مالی کارزارهای انتخاباتی به عنوان ابزار اصلی استفاده می کند. در مقابل، «ADL» کمتر به عنوان یک لابی سیاسی مستقیم شناخته می شود و بیشتر در نقش یک نهاد حقوق مدنی ظاهر می شود. اما در عمل، این سازمان با اثرگذاری بر قوانین داخلی، رسانه ها، نظام آموزشی و حتی تعریف مفاهیم حقوقی، نقشی مکمل آپیک ایفا می کند؛ به این معنی که اگر آپیک سیاست مداران را هدف می گیرد، این سازمان چهارچوب ها را نشانه می رود. در سال های اخیر، شبکه ای موسوم به «JL» که به گفته مقامات سازمان ضدافترا متشکل از نمایندگان هفت جامعه بزرگ یهودی در کشورهایمانند آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، استرالیا و آرژانتین است، تلاش می کند هماهنگی سیاسی و حقوقی را از سطح ملی فراتر ببرد. اعضای «JL» به طور منظم گرد هم می آیند تا تجربه های خود را به اشتراک بگذارند و حتی پیش نویس هایی از قوانین یا راهبردهای حقوقی ای را بررسی کنند که ممکن است در کشورهای دیگر نیز اجرا شود. این روند، نمونه ای از «انتقال سیاست» در سطح فراملی است؛ جایی که قانون و گفتار به طور هم زمان در چند کشور شکل می گیرد.

پلیس، امنیت و آموزش ایدئولوژیک

فعالیت های سازمان به حوزه امنیت نیز کشیده شده است. این سازمان در آموزش نیروهای پلیس آمریکا نقش دارد، هیئت های انتظامی را به اسرائیل اعزام می کند و «سمنار ملی مقابله با تروریسم» برگزار می کند. اسناد افشا شده «BlueLeaks» از رابطه نزدیک اتحادیه با نهادهای انتظامی، نشان می دهد که یکی از مدیران «ابتکارات انتظامی» سازمان گفته بود شرکت کنندگان این برنامه ها «با صهیونیست شدن» بازمی گردند؛ جمله ای که به خوبی نگرانی منتقدان از پیوند امنیت، سیاست و ایدئولوژی را نشان می دهد. واکنش راست گرایان و شکاف تازه در سال های اخیر، به خوبی نشان می دهد که این سازمان نه فقط از سوی چپ و فعالان حقوق فلسطین، بلکه از سوی راست گرایان نیز هدف حمله قرار گرفته است. کارزار آنلاین علیه این سازمان زمانی اوج گرفت که ایلان ماسک آن را «گروه نفرت» خواند و ادعا کرد فعالیت هایش «به قتل دامن می زند». این حملات در نهایت به قطع همکاری «اف بی آی» با اتحادیه ختم شد؛ شکاف ناگهانی در شرکاتی چند دهه ای که «اف بی آی» آن را ناشی از «سیاسی شدن» این سازمان دانست.

آزادی بیان در تنگنا

حمایت سازمان ضدافترا و شبکه های همسو از تعریف «یهودستیزی» -که ضدصهیونیسم و برخی اشکال انتقاد از اسرائیل را یهودستیزانه می داند- باعث شده اعتراضات دانشجویی، جنبش های حامی فلسطین و حتی استادان دانشگاه در معرض فشار، تعلیق یا تحقیق قرار گیرند. در ژانویه ۲۰۲۴، این سازمان اعلام کرد دوسوم از موارد یهودستیزی ثبت شده در آمریکا پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به جنگ غزه مرتبط بوده اند؛ آماري که منتقدان آن را نمونه ای از روش شناسی مسئله دار این سازمان دانستند. بنابراین «ADL» را نمی توان صرفاً یک سازمان حقوق مدنی یا یک توطئه پنهان قلمداد کرد. این نهاد، در کنار آپیک و شبکه هایی مانند «JL»، بخشی از واقعیت پیچیده لابی گری مدرن است؛ لابی گری ای که در قانون، آموزش، پلیس و حتی تعریف واژگان نفوذ می کند و مهم ترین پیامد این نفوذ، تأثیر آن بر آزادی بیان است.



سخنرانی جان اتان گرینبلت برای رهبران سازمان

ADL NEVER IS NOW